

## واکنش کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای به اعلام خروج بریتانیا از خلیج فارس در اواخر دهه ۱۹۶۰ م.\*

منصور چهراز ابوالحسنی<sup>۱</sup> / عبدالرسول خیراندیش<sup>۲</sup>

### چکیده

دولت بریتانیا پس از سال‌ها حضور در خلیج فارس، سرانجام بر آن شد که این منطقه را تا پایان سال ۱۹۷۱ م (۱۳۵۰ ش) ترک نماید. به رغم منافع سرشاری که به واسطه ماندگاری در خلیج فارس نصیب آن‌ها می‌شد، انگلیسی‌ها ناگزیر بودند برای مقاومت در برابر فشار جنبش‌های ملی، هزینه‌های کلانی بپردازند. بی‌تردید تصمیم بریتانیا به خروج از این منطقه، واکنش‌های متفاوتی را از سوی کشورهای حوزه خلیج فارس و قدرت‌های فرامنطقه‌ای به همراه آورد که هر کدام منافع خود را در دوره پسا خروج انگلیسی‌ها جست و جو می‌کردند. این‌که واکنش آن‌هایی که از رهگذارین تصمیم دچار سود و زیان می‌شدند، چه بود، عمده‌ترین پرسشی است که این پژوهش در پی پاسخ دادن به آن است. یافته‌های این پژوهش که مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی است، نشان می‌دهد که با عقب‌نشینی بریتانیا از خلیج فارس، کشورهای مختلف این منطقه بر تکاپوهای خود افزودند. ایران به اهمیت حیاتی خلیج فارس آگاه بود در صدد افزایش توان نظامی خود به منظور تکیه زدن بر ابرقدرتی منطقه برآمد. عربستان سعودی با اتخاذ شیوه‌ای محافظه‌کارانه، پس از آن‌که از تهدیدات داخلی عبور کرد، با ایران همسو شد. عراق موضع تندی علیه بریتانیا اتخاذ کرد و به کمک‌های اتحاد شوروی چشم دوخت. کویت سیاست مسالمت‌آمیز پیش گرفت. مصر نیز منافع خود را در خروج بریتانیا می‌دید و کشورهای کوچکی نظیر بحرین، قطر و امارات متصالح از وحشت فرورفتن در کام کشورهای توانمندتر چون ایران، عربستان سعودی و عراق دست کمک به‌سوی بریتانیا دراز کردند. ایالات متحده و اتحاد شوروی، به عنوان دو قدرت فرامنطقه‌ای و دو قطب قدرتمند جهان، در پی سود بیشتر از راه خالی شدن میدان از وجود رقیب دیرین بودند. واژگان کلیدی: کشورهای منطقه خلیج فارس، کشورهای فرا منطقه‌ای، شرق سوئز، خلأ قدرت در خلیج فارس.

## The Reaction of Regional and Trans-Regional States to Britain's Declaration of Withdrawal from the Persian Gulf in the late 1960s

Mansour Chehraz Abolhassani<sup>3</sup> / Abdolrasoul Kheirandish<sup>4</sup>

### Abstract

After several years of presence in the Persian Gulf, Britain eventually decided to leave the region by the end of 1971. Despite the resources that they gained by virtue of their persistent presence in the Persian Gulf, the English were compelled to pay massive expenses for resisting against nationalist movements. Britain's decision to withdraw from the area triggered different reactions from the Persian Gulf countries as well as trans-regional powers that were searching their own interests in the post-withdrawal period. The present study mainly tries to find an answer to this question: What was the reaction of the countries that enjoyed profit and loss due to the mentioned decision? The findings of this research which are based on descriptive-analytical method, suggests that after the withdrawal of Britain from the Persian Gulf, the countries of the region attempted to increase their endeavors. Iran was aware of the critical importance of Persian Gulf, so tried to increase its military strength to rely on regional superpower. Moreover, Saudi Arabia took a conservative manner, after having recovered from internal threats, and was aligned with Iran. Iraq adopted a strong stance against Great Britain and sought aid from the Soviet Union. Kuwait, on the other hand, pursued a peaceful policy. Egypt also perceived its interest in leaving Britain and the small countries like Bahrain, Qatar and the UAE asked help from Britain due to their fear from more powerful countries such as Iran, Saudi Arabia and Iraq. Therefore, the United States and the Soviet Union as two trans-regional powers and world powerful poles, sought more profit from the absence of their old rival. Keywords: Persian Gulf Countries, Trans-regional Countries, East of Suez, Power Vacuum in the Persian Gulf.

۱. دانشجوی دوره دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه شیراز \* تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۱۲/۴ تاریخ پذیرش ۱۳۹۵/۲/۱۰

۲. استاد گروه تاریخ دانشگاه شیراز

3. PhD Student, History Department, Shiraz University. Email: chehrazi.mansor@gmail.com

4. Professor, Department of History, Shiraz University. Email: akheirandish@rose.shirazu.ac.ir

## مقدمه

آن چه که در این جا با عنوان خروج بریتانیا از خلیج فارس،<sup>۵</sup> مورد بررسی قرار می‌گیرد، در واقع کاهش قابل توجه نیروهای نظامی آن کشور از شرق سوئز<sup>۶</sup> در اوایل دهه ۱۹۷۰ م است. ابتکار عملی که بریتانیا در اعلام این سیاست در سال ۱۹۶۸ م از خود نشان داد، واکنش‌های متفاوتی را در سطح منطقه و جهان برانگیخت زیرا تا سال ۱۹۶۴ م (۱۳۴۳ ش) هرولد ویلسون<sup>۷</sup>، نخست‌وزیر دولت کارگری<sup>۸</sup> بریتانیا، اظهار می‌داشت که «یک سرباز بریتانیایی در شرق سوئز با ارزش‌تر از هزار سرباز بریتانیایی در راین است.»<sup>۹</sup> با این حال به نظر می‌رسد که دیدگاه وی، زمانی که در ۱۶ ژانویه ۱۹۶۸

۵. برای آگاهی از جریان چرایی، چگونگی و پیامدهای عقب‌نشینی بریتانیا از خلیج فارس نک به: محمدعلی جناب، *خلیج فارس،*

*آشنایی با امارات آن (تهران: پدیده، ۱۳۴۹)*، ص ۵۴۲-۴۳۸. و نیز:

W. Taylor Fain, *American Ascendance and British Retreat in the Persian Gulf Region* (New York: Palgrave Macmillan, 2008); F. Gregory Gause, "British and American Policies in the Persian Gulf, 1968-1973," *Review of International Studies*, 11/4 (1985); Wm. Roger Louis, "The British Withdrawal from the Persian Gulf, 1967-1971," *The Journal of Imperial and Commonwealth History*, 31/1 (2003), p. 98; and Simon C. Smith, *Britain's Revival and Fall in the Gulf: Kuwait, Bahrain, Qatar, and the Trucial States, 1950-1971* (London: Routledge Curzon, 2004).

۶. از دیدگاه سیاست خارجی بریتانیا، سرزمین‌های شرق سوئز، شامل خلیج فارس، دریای عمان، جزیرهٔ مضیره در عمان، سنگاپور،

جزایر مالدیو، مالزی، برونی و هنگ‌کنگ بود. نک: جناب، ص ۴۳۸.

۷. سر هرولد ویلسون (Sir Harold Wilson) نخست‌وزیر وقت بریتانیا، اندکی پس از دریافت لیسانس در اقتصاد و علوم سیاسی از دانشگاه آکسفورد (۱۹۳۷) زمانی که هنوز ۲۱ ساله بود به‌عنوان استادیار همین رشته در دانشگاه مزبور به خدمت گرفته شد. در زمان جنگ وارد خدمات دولتی شد. از سال ۱۹۴۳ تا ۱۹۴۴ رییس اداره «اقتصاد و آمار» در وزارت سوخت و انرژی انگلستان بود. سال بعد به‌عنوان نماینده مجلس از حوزهٔ انتخابیهٔ اورمس کیرک (Ormskirk) برگزیده شد. وی که در آن تاریخ ۲۹ ساله بود، یکی از جوان‌ترین اعضای مجلس عوام به‌شمار می‌رفت. در نخستین کابینه کارگری که بعد از خاتمه جنگ روی کار آمد نخست‌وزیر سوسیالیست انگلستان (اتلی) او را به سمت معاون پارلمانی وزارت کار برگزید. در سال ۱۹۴۷ زمانی که فقط سی‌ویک سال داشت اول به‌عنوان وزیر بازرگانی خارجی و سپس به‌عنوان وزیر کل تجارت برگزیده شد. پس از درگذشت گیت اسکل، رهبر حزب کارگر، در ژانویه ۱۹۶۳ ویلسون توانست در فوریه ۱۹۶۳ مقام رهبری حزب کارگر را به دست آورد. در انتخابات پارلمانی سال بعد حزب کارگر اکثریت آرا کشور را به دست آورد و روز بعد (شانزدهم اکتبر ۱۹۶۴) ملکه الیزابت دوم هرولد ویلسون را به کاخ سلطنتی احضار و فرمان نخست‌وزیری‌اش را صادر کرد. وی در این تاریخ ۴۸ ساله بود. نک: جواد شیخ‌الاسلامی، «نخست وزیران انگلیس و تأثیر سیاست آنان در تاریخ ایران»، *مجلهٔ نشر دانش*، س ۸، ش ۵ (مرداد و شهریور ۱۳۶۷)، ص ۳۲-۳۱.

۸. منظور از اصطلاح دولت کارگری، دولت یا درست‌تر بگوییم حکومتی است که از حزب کارگر روی کار آمده باشد. به همین گونه، حکومت محافظه‌کار حکومتی است که از حزب محافظه‌کار باشد. در انگلستان رهبر هر حزب که اکثریت آرا را در انتخابات به دست آورد، نخست‌وزیر می‌شود و رهبر حزب اقلیت (حزبی که کرسی‌های کمتری در مجلس عوام به دست آورده است) به رهبری حزب مخالف که تأسیس دموکراتیک و ارزنده‌ای است برگزیده می‌شود. حزب سوم دیگری هم در انگلیس وجود دارد که امروزه اهمیت چندانی ندارد و لیبرال نام دارد. نک: هوشنگ مقتدر، «چشم‌پوشی ایران از بحرین؛ بررسی نقش سازمان ملل متحد»، *مجلهٔ اطلاعات سیاسی اقتصادی*، س ۲۲، ش ۲۴۴-۲۴۳ (آذر و دی ۱۳۸۶). برای آگاهی بیشتر نک: ایان مک‌لین، *فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد*، ترجمه حمید احمدی (تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۷) و محمد مهدی پور کریم، *فرهنگ سیاسی نمونه* (تهران: علمی، ۱۳۵۸).

م (۲۶ دی ۱۳۴۶ ش) اعلام کرد که بریتانیا همه نیروهای خود را از شرق سوئز عقب خواهد کشید، به میزان زیادی تغییر کرده بود.<sup>۹</sup>

آبراهه خلیج فارس و کشورهای پیرامون آن، منطقه گسترده‌ای است که همواره در طول تاریخ به دلایل ژئوپلیتیک و استراتژیک دست‌خوش کنش و واکنش‌های گوناگونی بوده است. یکی از قدرت‌های بزرگی که سال‌های متمادی نقشی پررنگ و تأثیرگذار در این منطقه داشت، بریتانیا بود. دولت‌ها و ملت‌های این منطقه، بیش از یک قرن و نیم سنگینی سایه نفوذ بریتانیا را تجربه کرده بودند، به همین دلیل هنگامی که بریتانیا در ژانویه ۱۹۶۸ م (۱۳۴۶ ش) اعلام نمود که تا پایان سال ۱۹۷۱ م (۱۳۵۰ ش) نیروهای نظامی خود را از منطقه خلیج فارس عقب خواهد کشید، کشورهای منطقه و قدرت‌های فرا منطقه‌ای که به شکلی منافع آن‌ها با این منطقه گره خورده بود، واکنش‌های گوناگونی بروز دادند.

هرچند تصمیم بریتانیا دگرگونی مهمی در سیاست‌های آن کشور در منطقه خلیج فارس محسوب می‌شد، اما در همان زمان کشورهای غربی تأثیر این تصمیم را به‌طور کامل درنیافتند. الوین کوتترل<sup>۱۰</sup> در اواسط سال ۱۹۷۰ م (۱۳۴۹ ش) موضوع را چنین مورد بررسی قرار می‌دهد: «مفاهیم این تصمیم به‌طور کامل توسط غرب به‌ویژه ایالات متحده درک نگردید. درواقع می‌توان گفت که در آن کشور به‌غیراز تنی چند از سیاستمداران، افسران ارتش و کمپانی‌های نفتی، تنها تعداد انگشت‌شماری از افراد درباره منطقه خلیج فارس مطلب زیادی می‌دانستند.»<sup>۱۱</sup>

از آن‌جا که حضور بریتانیا در خلیج فارس تأثیرات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، و اجتماعی گوناگونی بر جنبه‌های زندگی در منطقه داشت، بدون تردید خروج آن کشور، تغییرات دامنه‌داری را پدید می‌آورد. به همین دلیل از سوی کشورهای منطقه و فرا منطقه‌ای واکنش‌های گوناگونی نسبت به عقب‌نشینی بریتانیا از خلیج فارس صورت گرفت. هدف این مقاله بررسی علل تفاوت و یا تشابه این واکنش‌ها است. نظر به این که در آن سال‌ها، ناسیونالیسم، گفتمان عمومی ملل خاورمیانه به شمار می‌آمد، در ابتدا تأثیر این پدیده در شکل‌گیری تصمیم بریتانیا بررسی می‌شود و سپس دیدگاه سیاستمداران تک‌تک کشورهایی که تحت تأثیر این تصمیم قرار می‌گرفتند ارزیابی می‌شود. نظر به نقش ایالات‌متحده و نیز این که جایگزین احتمالی بریتانیا به شمار می‌آمد، نقش آن کشور به‌طور خاص در این پژوهش برجسته شده است.

9. Alvin Cottrell, "British Withdrawal from Persian Gulf," *Military Review*, 50 (June, 1970), pp. 14-15.

۱۰. مدیر تحقیقات مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌الملل دانشگاه جورج تاون (George Town) و پژوهشگر مسائل خلیج فارس

Cottrell, p. 14. در آن زمان.

11. Cottrell, pp. 14-15.

## رواج ملی گرایی

یکی از عمده ترین رویدادهایی که بر سرنوشت نفت خاورمیانه-به مثابه شاه‌رگ حیاتی این منطقه- تاثیر گذاشت، جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران بود که به همت دکتر محمد مصدق جان گرفت. این رویداد، پس از استقلال هندوستان (۱۹۴۷ م)، ضربه‌ای کاری بر پیکر بریتانیا وارد ساخت. زمانی که طرفداران اتحاد شوروی به بهانه این که نفت جنوب در دست غربی‌ها است، به دنبال صدور نفت شمال به اتحاد شوروی بودند، دکتر مصدق در یک نشست مشورتی دولت در تاریخ ۱۱ آذر ۱۳۲۳ ش با دادن امتیاز نفت به اتحاد شوروی به شدت مخالفت کرد و به این ترتیب، سیاست موازنه منفی در دستور کار دولت ایران قرار گرفت. گسترش این دیدگاه در مخالفت نمایندگان اقلیت مجلس، با امضای قرار داد الحاقی گس - گلشائیان در ۲۶ تیر ۱۳۲۸ ش نمود آشکاری یافت. سرانجام این حرکت در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ ش به سامان رسید و صنعت نفت ایران ملی شد. با وجود این، بریتانیا دست از توطئه علیه دولت ملی ایران برنمی‌داشت. در پی حذف کمک‌هزینه مسکن کارکنان صنعت نفت جنوب بود که در فروردین ۱۳۳۰ ش اعتصاب بزرگی رخ داد. توده‌ای‌ها که عوامل اتحاد شوروی بودند با همدستی بریتانیا اقدامات گسترده‌ای را در سرکوب جنبش صنعت نفت آغاز کردند.<sup>۱۲</sup> هربرت موریسون<sup>۱۳</sup> وزیر خارجه بریتانیا، در مجلس عوام آن کشور اعلام نمود: «دولت بریتانیا در اتخاذ تدابیر لازم برای حفظ جان و مال اتباع خود در این منطقه تردید نخواهد کرد.»<sup>۱۴</sup> و سپس با امانوئل شین ول<sup>۱۵</sup> وزیر دفاع، طرح عملیات «دزد دریایی» را برای اشغال آبادان تهیه نمود و کابینه را قانع کرد که پشتیبانی ایالات متحده را برای انجام این کار کسب نماید.<sup>۱۶</sup>

آمریکایی‌ها که در ابتدا نظر مساعدی با دکتر مصدق داشتند، کم‌کم از او ناامید شدند و سیاست خود را به کلی دگرگون ساختند. این چرخش از مارس ۱۹۵۳ م (اسفند ۱۳۳۱ ش) هنگامی که هندرسون از طرف دوايت آیزنهاور<sup>۱۷</sup> رئیس‌جمهور ایالات متحده، با مصدق بر سر مسائل نفت به توافق نرسیدند، آغاز شد. در این تاریخ کنفرانسی در واشنگتن با شرکت وزیران خارجه بریتانیا و ایالات متحده و مشاورانشان تشکیل شد که نتیجه آن تأکید بر سرنگونی مصدق بود.<sup>۱۸</sup>

۱۲. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی ۱۳۵۷-۱۳۰۰ (تهران: پیکان، ۱۳۹۱)، ص ۱۹۷.  
13. Herbert Morrison

۱۴. هوشنگ مهدوی، ص ۱۹۷.

15. Emanuel Shinwell

۱۶. هوشنگ مهدوی، ص ۱۹۷.

17. Dwight Eisenhower

۱۸. هوشنگ مهدوی، ص ۲۱۳.

اتحاد شوروی نیز از جنبش ملی شدن صنعت نفت رضایت خاطر نداشت. دکتر مصدق می‌گوید: «هفته‌ها با نمایندگان اتحاد شوروی برای فروش نفت صحبت کردیم ولی به جایی نرسید»<sup>۱۹</sup>. پیداست که همسایه شمالی به جای درافتادن با ایالات متحده که پیش از این طعم تلخ آن را در درگیری ترکیه، یونان و کره چشیده بود، ترجیح می‌داد که جریان نفت در دست بریتانیا باقی بماند و ایالات متحده از آن بهره‌ای نبرد. از این رو تا زمانی که استالین زنده بود، هیچ کمکی به دولت ملی ایران نکرد؛ اما پس از مرگ دیکتاتور در ۵ مارس ۱۹۵۳ م (۱۴ اسفند ۱۳۳۱ ش) که گئورگی مالنکوف<sup>۲۰</sup> جانشین وی شد، بهبود مناسبات با شعار «همزیستی مسالمت‌آمیز» اعلام شد. مالنکوف سیاست بهبود روابط با ایران را ادامه داد تا جایی که در ۸ اوت ۱۹۵۳ م (۱۷ مرداد ۱۳۳۲ ش) در نطقی که در جلسه شورای عالی، مسائل ایران را در رأس سیاست خارجی اتحاد شوروی دانست و خواهان دوستی دوجانبه با این کشور شد. این موج سیال رفته‌رفته گسترش یافت تا این که چندی بعد، در آوریل ۱۹۵۵ م (فروردین ۱۳۳۴ ش) که نخستین کنفرانس کشورهای آسیایی - آفریقایی در باندونگ تشکیل شد، نمایندگان کشورهای مختلف از مبارزات مصدق تجلیل نمودند. کمی بعد در ۴ تیر ۱۳۳۵ ش محمدرضا پهلوی، شاه ایران، به دعوت اتحاد شوروی به آن کشور سفر کرد.<sup>۲۱</sup>

در ژوئیه ۱۹۵۶ م (مرداد ۱۳۳۵ ش) جمال عبدالناصر رئیس‌جمهور فقید مصر که کانال سوئز را ملی کرد، از مصدق به‌عنوان «زعیم شرق» یاد نمود و خود را پیرو مکتب وی دانست. کمی آن‌سوتر از خلیج فارس، اتفاق دیگری روی داد که در توازن قدرت منطقه‌ای بی‌تأثیر نبود. در ۲۹ اکتبر ۱۹۵۶ م (۷ آبان ۱۳۳۵) اسرائیل ظرف پنج روز سراسر صحرای سینای مصر را تصرف کرد. در همان روزها (۱۵ آبان همان سال) در نخستین کنفرانس سران کشورهای اسلامی «پیمان بغداد»<sup>۲۲</sup> که با حضور اسکندر میرزا رئیس‌جمهور پاکستان، عدنان مندرس نخست‌وزیر ترکیه، نوری سعید نخست‌وزیر

۱۹. هوشنگ مهدوی، ص ۲۰۲.

20. Georgy Malenkov

۲۱. هوشنگ مهدوی، ص ۲۴۲.

۲۲. در فوریه ۱۹۵۵ م. / ۱۳۳۴ ش. عراق و ترکیه در بغداد پیمان امنیتی و دفاعی امضا کردند که چند ماه بعد ایران، پاکستان و بریتانیا هم بدان پیوستند. انگلستان و آمریکا این پیمان را خط دفاعی خاورمیانه در برابر اتحاد شوروی و جزئی از سیاست محاصره و قرنطینه اتحاد شوروی می‌دانستند. اتحاد شوروی به همین دلیل پیمان بغداد را مردود شمرد. نماینده ایالات متحده در ۱۹۵۷ در کمیته‌های اقتصادی و نظامی پیمان بغداد شرکت کرد گر چه این کشور هیچ‌وقت رسماً عضو پیمان نشد. در پی کودتای ژوئیه ۱۹۵۸ م / ۱۳۳۷ ش، توسط عبدالکریم قاسم و سقوط نظام پادشاهی، عراق از پیمان بغداد کناره گرفت (مارس ۱۹۵۹) در ۲۱ اوت ۱۹۵۹ م. / ۱۳۳۸ ش. پیمان به سنتو تغییر نام داد و مقر آن از بغداد به آنکارا منتقل شد. نک: احمد تدین و شهین احمدی، فرهنگ تاریخ، ۲ ج (تهران: آگاه، ۱۳۶۹)، ص ۲۹۵ - ۲۹۴.

عراق و شاه ایران در کاخ مرمر تهران برگزار شد، همه حضار از قول و قرارهای شاه با اتحاد شوروی آگاه شدند.<sup>۲۳</sup> در سال ۱۹۵۸ م موجی از احساسات ناسیونالیسم عربی برخاست و انتظار می‌رفت که شتابان فضای سیاسی کرانه‌های خلیج فارس و حتی سراسر خاورمیانه را دگرگون سازد. بریتانیا یار وفادار خود، خاندان هاشمی را در عراق از دست داد و حاکمان اردن، فرمانده انگلیسی لژیون عرب را اخراج کردند. در سپتامبر ۱۹۶۱ م (شهریور ۱۳۴۰ ش) جنبش کشورهای غیر متعهد در بلگراد با پیش‌گامی ناصر، تیتو و نهرو شکل گرفت. دامنه جنبش مردمی در بحرین و کویت و قطر گسترش یافت و کویت نخستین شیخ‌نشینی بود که به استقلال رسید. کمی بعد در سال ۱۹۶۲ م به دنبال کودتایی که در یمن صورت گرفت، کاخ سلطان به اشغال افسران جوان درآمد و حکومت جمهوری آغاز شد و جوانه استقلال عدن از همین‌جا آغاز به رشد کرد که سرانجام توانست دست بریتانیا را از یمن جنوبی کوتاه سازد.<sup>۲۴</sup>

این روند همچنان در کشوقوس حوادث روزگار ادامه یافت به‌گونه‌ای که اگر بخواهیم تک‌تک رویدادها را برشماریم از حوصله این مقاله بیرون است؛ اما تأثیر این رویدادها را نمی‌توان در شکل‌گیری شرایط و زمینه‌های بیرونی خروج بریتانیا از خلیج فارس، نادیده گرفت. این خروج واکنش‌های متفاوتی را برانگیخت که در این جا، نگاهی گذرا به آن‌ها خواهیم داشت.

### سیاست ایالات متحده در قبال خروج بریتانیا از خلیج فارس

ایالات متحده از کشورهای بیگانه صاحب منافع در این منطقه و یکی از قطب‌های قدرتمند جهانی دخیل در رویدادهای آن زمان به حساب می‌آمد. مدت‌ها بود که طراحان سیاست خارجی این کشور متوجه اهمیت استراتژیک خلیج فارس، به‌ویژه نفت و ارتباط آن با شرایط دفاعی اروپای غربی شده بودند. در سال ۱۹۵۷ م (۱۳۳۶ ش) آیزنهاور به یکی از مشاورانش نوشت: «اگر بحرانی به وجود آید که انتقال نفت خاورمیانه به جهان غرب را به مخاطره اندازد، ما ناگزیر به استفاده از زور خواهیم بود.»<sup>۲۵</sup> با وجود این، طراحان سیاست خارجی ایالات متحده و به‌ویژه نظامیان آن کشور، بریتانیا را به‌عنوان بازوی قدرتمندی می‌دانستند که می‌توانست از منافع استراتژیک آن‌ها در خلیج فارس بدون حضور نیروهای آمریکایی به بهترین شکل ممکن دفاع نماید.

۲۳. هوشنگ مهدوی، ص ۱۶۵.

۲۴. جعفر فتح الهی، «سوابق تاریخی و وجه تسمیه‌ی خلیج فارس»، در مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل خلیج فارس

(تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۷)، ص ۴۳۴.

25. James H. Noyes, *The Clouded Lens: Persian Gulf Security & U.S. policy* (Stanford, 1979), p. 45.



طی دهه شصت (۱۹۶۰ م / ۱۳۳۹ ش) در سیاست خارجی ایالات متحده و مقامات دفاعی آن کشور، اشتیاق بیشتری نسبت به حوزه اقیانوس هند مشاهده می‌شد. در همین دوره نصب تجهیزات ارتباطی ایالات متحده در جزیره دیه‌گو گارسیا<sup>۲۶</sup> در اقیانوس هند آغاز گردید. افزایش توجه ایالات متحده نسبت به اقیانوس هند، نشانه تمایل آن کشور برای جانشینی بریتانیا به عنوان قدرت برتر غرب در شرق سوئز نبود. برعکس، هیأت دولت جانسون،<sup>۲۷</sup> به طور فعال مخالف عقب‌نشینی دولت کارگری از مواضع شرق سوئز طی آن دهه بود. رابرت مک نامارا<sup>۲۸</sup> وزیر دفاع وقت ایالات متحده بر ناتوانی نیروی نظامی ایالات متحده برای جانشینی بریتانیا در حالی اعتراف نمود که برای سیاست خارجی کشورش بسیار مهم بود تا حداقل یک هم‌پیمان قدرتمند جهانی در منطقه داشته باشد.<sup>۲۹</sup>

در دسامبر ۱۹۶۴ م (آذر ۱۳۴۳ ش) جانسون اهمیت نقش بریتانیا در شرق سوئز برای ایالات متحده را به ویلسون نخست‌وزیر آن کشور متذکر شد. در حالی که برای کاهش هزینه‌های دفاعی سال ۱۹۶۵ م (۱۳۴۴ ش) فشارهای داخلی بر ویلسون افزایش می‌یافت، واشنگتن در گزارشی با صراحت به لندن اطلاع داد که تعهد ایالات متحده برای خرید هواپیما و تجهیزات نظامی از بریتانیا مشروط به پذیرش تداوم نقش جهانی از سوی بریتانیاست. مقامات ایالات متحده در زمینه نگرانی‌های خود پیرامون عقب‌نشینی بریتانیا از شرق سوئز، در سال ۱۹۶۵ و اوایل سال ۱۹۶۶ م (۱۳۳۴ و دی ۱۳۳۵ ش) یک هیأت سرسخت از نمایندگان خود را به آن کشور فرستادند.<sup>۳۰</sup>

دولتمردان آمریکایی به رغم اتخاذ سیاست عدم مداخله مستقیم در خلیج فارس، همچنان برای تامین ثبات و امنیت این منطقه، به هم‌پیمانان منطقه‌ای خود چشم دوخته بودند. اوایل سال ۱۹۶۶ م (۱۳۴۵ ش) وزارت امور خارجه ایالات متحده حمایت کشور خود را از هرگونه ابتکار عملی میان عربستان سعودی، بریتانیا و ایران به منظور تضمین ثبات سیاسی آینده منطقه، اعلام نمود.<sup>۳۱</sup>

سیاست ایالات متحده در خلیج فارس، بر تأمین منافع آن کشور در این منطقه استوار بود. سرمایه‌گذاری‌های وسیع در اکتشاف و تولید نفت منطقه و نیاز بیش از پیش ایالات متحده به نفت خلیج فارس از عمده‌ترین مسایلی بود که با منافع این کشور پیوند داشت. نفت، به مثابه شریان حیاتی

۲۶. دیه‌گو گارسیا (Diego Garcia) یکی از جزایر مجمع‌الجزایر «شاگوس» است که قبلاً بخشی از کشور موریس بود که در سال ۱۹۶۸ استقلال یافت. ایالات متحده و انگلیس در اواسط دهه ۱۹۶۰ مشترکاً تصمیم گرفتند که آن را به پایگاهی تبدیل کنند که به منظور اهداف نظامی مورد استفاده دو دولت قرار گیرد. نک: بیژن اسدی، *خلیج فارس و مسائل آن* (تهران: سمت، ۱۳۸۱)، ص ۳۵۳.

27. Lyndon Johnson

28. Robert McNamara

29. Phillip Darby, *British Defense Policy East of Suez, 1947-1968* (London: 1973), p. 294.

30. Ibid., pp. 295-296.

31. Gause, p. 259.

اقتصاد کشورهای عضو ناتو<sup>۳۳</sup> و دوستان ایالات متحده در شرق سوئز به حساب می‌آمد. بازاریابی برای صنایع ایالات متحده نیز اهمیت بسزایی داشت. منطقه خلیج فارس به شدت نیازمند تخصص‌های فنی و دارای سرمایه مازاد برای سرمایه‌گذاری در کشورهای دیگر از جمله ایالات متحده بود.<sup>۳۳</sup> به همین دلیل، دولت‌های خلیج فارس با ایالات متحده و متحدانش می‌توانستند در تبادل خدمات و کالا و سرمایه‌گذاری سود جویند.<sup>۳۴</sup>

در واقع نگرانی ایالات متحده چندان ارتباطی با خلیج فارس نداشت زیرا به نظر نمی‌رسید بریتانیا تا دسامبر ۱۹۶۷ م (آذر ۱۳۴۶ ش) قصد خروج از منطقه را داشته باشد. به هر صورت، پس از اعلام تصمیم بریتانیا در ژانویه ۱۹۶۸ م (دی ۱۳۴۶ ش) ایالات متحده برای اولین بار ناگزیر گردید که خود را برای احتمال خروج بریتانیا از خلیج فارس آماده کند.

ایالات متحده در نخستین مواجهه با تصمیم عقب‌نشینی بریتانیا، غافلگیر و هراسان شد. جورج براون<sup>۳۵</sup> وزیر امور خارجه بریتانیا در حالی که در مورد کاهش بودجه به کابینه بریتانیا گزارش می‌داد، چنین گفت: «اعتراض و نگرانی ایالات متحده در ارتباط با برنامه عقب‌نشینی مربوط به خلیج فارس بوده نه شرق سوئز.»<sup>۳۶</sup> دین راسک<sup>۳۷</sup> وزیر امور خارجه ایالات متحده در ۱۱ ژانویه ۱۹۶۸ م (۱ دی ۱۳۴۶ ش) طی جلسه‌ای با براون، این مطلب را مورد توجه قرار داد و به شدت از این که بریتانیا خلیج فارس را رها کند، انتقاد نمود و تأکید کرد که ایالات متحده نمی‌تواند این کار بریتانیا را باور کند و بپذیرد.<sup>۳۸</sup> سرانجام وقتی راسک متوجه شد که مخالفت آشکار ایالات متحده، بر تصمیم‌گیری بریتانیا تأثیر چندانی ندارد و کار از کار گذشته است، به براون گفت: «به خاطر خدا بریتانیایی باش.»<sup>۳۹</sup> در حقیقت، بریتانیا در مورد عقب‌نشینی خود با ایالات متحده مشورت نکرده و تنها آن کشور را از تصمیمی که از قبل گرفته بود، آگاه کرده بود.

مقامات ایالات متحده به حدی دلواپس پیامد اقدام بریتانیا بودند که خبرنگار تامیز لندن در واشنگتن در ۱۲ ژانویه/ ۲ دی چنین نوشت که «اگر روابط قدیمی بین بریتانیا و ایالات متحده

۳۳. سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (North Atlantic Treaty Organization)

33. *U.S. Interests in and Policy Toward the Persian Gulf*, p. 81.

34. *Ibid.*, p. 140; *The Persian Gulf, 1974: Money, Politics, Arms, & Power*, p. 55.

35. George Brown

36. Richard Crossman, *The Crossman Diaries*, Anthony Howard ed. (London: 1979), p. 394.

37. Din Rusk

38. *The Times* (London) 12 January 1968, p. 1.

39. Extract from a Record of a Meeting Between Brown & Rusk, 11 Jan. 1968, FCO 46/43 Quoted in Shohei Sato, "Anglo-American Relation Concerning the Persian Gulf, 1964-1971," Presented at *BISA Annual Conference 2009 (Panel on International Alliances in the Nineteenth and Twentieth Centuries)*, p. 8.



هنوز ارزشی دارد، انتظار می‌رود تا نخست‌وزیر بریتانیا، در مورد عقب‌نشینی از خلیج فارس تجدیدنظر نماید.<sup>۴۰</sup> در ۲۹ ژانویه سال ۱۹۶۸ م نیز یوجین روستو<sup>۴۱</sup> قائم‌مقام وزیر امور خارجه‌ی ایالات متحده، در صدای آمریکا این موضوع را اعلام نمود که «ایالات متحده به گروه امنیتی متشکل از ترکیه، ایران، پاکستان، کویت و عربستان سعودی برای پر کردن خلأ ناشی از عقب‌نشینی بریتانیا، امیدوار است.»<sup>۴۲</sup>

دیپلمات‌های ایالات متحده در صدد بودند روابط بین ایران و عربستان سعودی را که هنوز به دلایلی چون دیدگاه ایران در مورد بحرین، در شرایط نامطلوبی قرار داشت، با تدارک دیدار شاه از ریاض در اوایل سال ۱۹۶۸ م (۱۳۴۶ ش) تقویت نمایند. گرچه به علت مسأله بحرین، دیدار مذکور لغو شد اما با تلاش ایالات متحده شش ماه بعد دیداری بین شاه و ملک فیصل صورت گرفت.<sup>۴۳</sup> جدیت اعتراضات ایالات متحده با تماس تلفنی رئیس‌جمهور جانسون در آخرین لحظات با نخست‌وزیر و درخواست در مورد تجدیدنظر، به خوبی آشکار می‌گردد.<sup>۴۴</sup> پس از گفت‌وگوهای شخصی میان جانسون و ویلسون در واشنگتن، در اوایل فوریه ۱۹۶۸ م (بهمن ۱۳۴۷ ش) که جانسون توضیحات ویلسون در مورد تصمیم عقب‌نشینی را هرچند با بی‌میلی پذیرفت، تنش‌های میان دو کشور کاهش یافت.<sup>۴۵</sup> موضوع انتخاب جایگزین، پس از چند دهه اعتماد به بریتانیا برای حفاظت از منافع غربی‌ها در خلیج فارس، به قوت خود باقی بود. به دلیل افزایش دخالت ایالات متحده در ویتنام و رشد ناراضی عمومی و کنگره در این زمینه، روشن بود که ایالات متحده نمی‌تواند نقش امنیتی فعالی در منطقه بازی کند.<sup>۴۶</sup> واشنگتن این موضوع را در گفت‌وگوهایش با لندن به خوبی روشن کرده بود.<sup>۴۷</sup>

دولت جانسون برخلاف گام‌های اولیه خویش، برای پیروی از یک سیاست و استراتژی متمرکز در خلیج فارس، به اندازه کافی تلاش نکرد. این دولت که درگیر جنگ ویتنام و بدقابالی‌های داخلی برای رئیس‌جمهور بود، از تصمیم بریتانیا شگفت‌زده شد. با این وجود، توجه به مشکلات اعراب و

40. *The Times* (London) 13 January 1968, p. 4.

41. Eugene Rostow

42. Noyes, p. 30.

43. Gause, p. 260.

44. *The Times* (London) 17 January 1968, p. 1.

45. *The Times* (London) 9 February 1968, p. 1.

46. David E. Long, "United States Policy toward the Persian Gulf," *Current History*, 68 (February 1975), p. 71.

47. *The Times* (London) 17 January 1968, p. 1.

اسرائیل پس از جنگ ۱۹۶۷ م (۱۳۴۶ ش) در اولویت قرار گرفت<sup>۴۸</sup> و توسعه سیاست ایالات متحده در قبال خلیج فارس برای دولت بعدی یعنی ریچارد نیکسون،<sup>۴۹</sup> باقی ماند. علی‌رغم اعتراض مقامات آمریکایی نسبت به تصمیم بریتانیا، آنان به خوبی می‌دانستند که باید پس از عقب‌نشینی بریتانیا، منطقه را ترک نمایند و این کار، به سود اتحاد شوروی خواهد بود، زیرا کشتی‌های اتحاد شوروی با برافراشتن پرچم‌های خود در آب‌های خلیج فارس، در سال ۱۹۶۸ م (۱۳۴۶ ش) خیال ایالات متحده را از بابت حضور خود در این منطقه آشفته ساخته بودند.

### اتحاد شوروی در شرایط جدید

اتحاد شوروی از تصمیم بریتانیا برای عقب‌نشینی، پشتیبانی نمود؛ زیرا منطقه خلیج فارس برای امنیت نظامی این کشور از اهمیت بسزایی برخوردار بود. عقب‌نشینی بریتانیا در راستای نیل به اهداف اتحاد شوروی بود و منجر به کاهش نفوذ غرب در منطقه می‌شد. مقامات اتحاد شوروی چنین استدلال می‌کردند که حضور بریتانیا در خلیج فارس، نه‌تنها موجب بروز تهدید برای جنبش‌های ملی‌گرای اعراب است، بلکه مرزهای جنوبی اتحاد شوروی را نیز با خطر مواجه می‌کند.<sup>۵۰</sup> هدف اصلی سیاست‌های اتحاد شوروی، نفوذ در کشورهای عقب‌مانده بود. این هدف تاریخی از نیاز این کشور به گسترش نفوذ خود در زمینه مواد خامی چون نفت و بازارهای آن در این منطقه نشأت می‌گرفت. از این‌رو، برای رسیدن به این هدف، از هر فرصت مناسبی که در نتیجه جنبش‌های انقلابی به وجود می‌آمد استفاده می‌نمود تا آن را علیه نفوذ غرب به کار گیرد. این سیاست در عراق، عدن، سوریه و جنبش‌های آزادی‌بخش ملی در آفریقا و آمریکای لاتین از طریق کوبا اعمال می‌گردید.

درواقع هدف اتحاد شوروی از مخالفت با حضور بریتانیا در خلیج فارس، جلب دوستی و اعتماد ایرانی‌ها و اعراب بود. مقامات اتحاد شوروی این دیدگاه رایج که عقب‌نشینی بریتانیا از خلیج فارس موجب به وجود آمدن خلأ قدرت<sup>۵۱</sup> و تهدیدی بالقوه برای منطقه خواهد بود را قبول نداشتند و آن

48. Ibid., p. 260

49. Richard Nixon

50. O.M. Smolnasky, "Moscow & Persian Gulf," *Orbis*, 14 (Spring, 1970), pp. 92-107.

۵۱. مفهوم «خلأ قدرت» (Power Vacuum) از دیدگاه ایالات متحده و جهان غرب آن بود که کشورهای منطقه به علت فقر اقتصادی و ناپایداری سیاسی قادر به دفاع از خویش نیستند و بنابراین برای حفظ ثبات، می‌بایست دست کم یکی از قدرت‌های بزرگ در منطقه حضور داشته باشند. محمدجعفر چمن‌کار، بحران ظفار و رژیم پهلوی (تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۳)، ص ۴۲.

را تبلیغی علیه خود می‌دانستند. آن‌ها وانمود می‌کردند که به دنبال برهم زدن آرامش منطقه نبوده و خواستار برقراری روابطی دوستانه و متقابل‌اند. برخلاف چنین ادعایی، نیروهای دریایی اتحاد شوروی طی دوره زمانی سپتامبر ۱۹۶۸ م (شهریور ۱۳۴۷ ش) تا فوریه ۱۹۷۰ م (بهمن ۱۳۴۸ ش) سه بار وارد ام‌القصر - یکی از بندرهای عراق در اروندرود که به مرکز کویت و عراق بسیار نزدیک است - شدند.

علاوه بر این، مسکو پیشنهاد سال ۱۹۶۸ م (۱۳۴۶ ش) یوجین روستو، معاون وزارت خارجه ایالات متحده در امور خاورمیانه را که معتقد بود ایالات متحده باید به منظور پُر کردن خلأ حاصل از عقب‌نشینی بر گروه‌بندی‌های امنیتی ترکیه، ایران، پاکستان، کویت و عربستان سعودی تکیه نماید، مردود شمرد. اتحاد شوروی برای محکوم کردن این پیشنهاد، چنین استدلال می‌کرد که در اصل این سیستم دفاعی، امنیت مرزهای جنوبی کشورش را تهدید می‌کند.<sup>۵۲</sup>

اعلام تصمیم بریتانیا در سال ۱۹۶۸ م (۱۳۴۶ ش) مبنی بر خروج نیروهای نظامی‌اش از شرق سوئز تا سال ۱۹۷۱ م (۱۳۵۰ ش) هنگامی صورت گرفت که اتحاد شوروی سیاست جدید دریایی خود را برای اعمال قدرت در مناطق دور از مرزهای خود آغاز می‌کرد. تقریباً در همین زمان، اتحاد شوروی شروع به استقرار نیروهای دریایی خود در منطقه خلیج فارس نمود. دو فروند از چهار فروند کشتی رزمی اتحاد شوروی، همراه با کشتی‌های تدارکاتی - پشتیبانی در سال ۱۹۶۸ م (۱۳۴۶ ش) برای مدت زمانی حدود ۱۹۰۰ ساعت در آب‌های منطقه ماندند. این زمان تا سال ۱۹۶۹ م (۱۳۴۸ ش) به دو برابر و به حدود ۴۱۰۰ ساعت زندگی در دریا و تا سال ۱۹۷۲ م (۱۳۵۱ ش) به حدود ۸۸۰۰ ساعت زندگی در دریا افزایش یافت.<sup>۵۳</sup>

نخستین زیردریایی اتحاد شوروی در اکتبر ۱۹۶۸ م (مهر ۱۳۴۷ ش) ساخته شد و در اوت (مرداد) همان سال اولین پروازهای شناسایی به وسیله‌ی هواپیماهای موسوم به Bear-D انجام گرفت. سپس لئونید برژنف،<sup>۵۴</sup> دبیر کل کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، مبارزه سیاسی خود را برای خروج غرب از آسیا آغاز نمود. درخواست وی برای «امنیت جمعی آسیا»<sup>۵۵</sup> هیچ حمایتی را در منطقه برنینگیخت اما از جانب قدرت‌های غربی به‌عنوان تلاش آشکار اتحاد شوروی

52. Shahram Chubin & Zabih Sepehr, *The Foreign Relations of Iran, a Developing State in a Zone of Great-Power Conflict* (California: University of California, 1974), p. 237.

۵۳. پائول جابر و دیگران، *منافع قدرت‌های بزرگ در خلیج فارس*، ترجمه مجید قهرمانی (تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت

فرهنگ و ارشاد اسلامی و نشر سفیر، ۱۳۷۰)، ص ۲۸.

54. Leonid Ilyich Brezhnev

55. Asian Collective Security

برای بازی با احساسات ناسیونالیستی ملت‌های منطقه و افزایش ابعاد سیاسی حضور فزاینده نظامی این کشور، تفسیر شد.<sup>۵۶</sup>

### آمادگی ایران برای تامین امنیت خلیج فارس

زمانی که بریتانیا در ژانویه ۱۹۶۸ م (۱۳۴۶ ش) تصمیم خود را مبنی بر خروج نیروهایش از خلیج فارس اعلام کرد، ایران اهمیت حیاتی خلیج فارس برای خود را بیشتر احساس نمود. ایران که در ابتدا با تصمیم بریتانیا به آرامی برخورد کرد، پس از آن که دریافت بریتانیا قصد دارد تا قبل از رفتن از خلیج فارس به شیخ‌نشین‌ها سروسامانی دهد و اختلافات ارضی کشورهای منطقه را برطرف کند، به‌سختی از به خطر افتادن منافع خود خشمگین شد و در فروردین ۱۳۴۷ ش (آوریل ۱۹۶۸ م) با انتشار اطلاعیه‌ای، خشم خود را ابراز داشت و گفت: «به نظر دولت شاهنشاهی، دولت انگلیس نمی‌تواند سرزمین‌هایی را که به گواهی تاریخ با زور و نیرنگ از ایران جدا کرده است، برای دیگران به ارث بگذارد. دولت شاهنشاهی حقوق خود را در خلیج فارس حفظ خواهد کرد و به‌هیچ‌وجه زیر بار قلدری و بی‌عدالتی نخواهد رفت.» دولت ایران با توجه به همین دیدگاه، عقیده داشت خلأ قدرتی که در نتیجه‌ی خروج بریتانیا حاصل خواهد شد نباید به‌وسیله هیچ کشوری خارج از منطقه‌ی خلیج فارس پُر شود.<sup>۵۷</sup>

در ۴ ژانویه ۱۹۶۹ م (۱۴ دی ۱۳۴۷ ش) محمدرضا پهلوی، (۱۳۲۰-۱۳۵۷ ش) دیدگاه خود را در مورد جایگزینی بریتانیا آشکارا بیان کرد. او در دیدار با خانم ایندیراگانندی نخست‌وزیر هند گفت: «وقتی انگلستان در سال ۱۳۵۰ نیروهایش را از خلیج فارس خارج کند، ایران حضور بیگانگان را در خلیج فارس تحمل نخواهد کرد و مسؤولیت دفاع از منطقه باید به عهده کشورهای ساحلی آن واگذار شود.»<sup>۵۸</sup> در واقع ایران از تصمیم عقب‌نشینی بریتانیا از منطقه خلیج فارس خشنود بود؛ چراکه اعتقاد داشت حتی بدون وجود نیروهای بریتانیا در خلیج فارس، باز هم امید به ثبات بیشتری در منطقه وجود دارد.<sup>۵۹</sup>

ایالات متحده اصرار داشت که ایران به‌عنوان یک عامل برقراری ثبات در منطقه عمل کند. به همین دلیل دولت ایران دیدگاه خلأ قدرت و پر شدن آن به‌وسیله دیگران را نمی‌پذیرفت. محمدرضا

۵۶. جابر و دیگران، ص ۲۸.

۵۷. هوشنگ مهدوی، ص ۳۳۳.

۵۸. همان؛ و «بیانات شاهنشاه در مصاحبه مطبوعاتی دهلی‌نو»، روزنامه کیهان، ش ۷۶۳۵ (یکشنبه ۱۵ دی ۱۳۴۷)، ص ۲.  
59. *The Times* (London) 10 July 1970, p. 4.

پهلوی معتقد بود که قدرت‌های بزرگ منطقه یعنی ایران، عربستان سعودی و کویت - به‌استثنای عراق که با آن بر سر ارون‌رود درگیر بود - قادر به همکاری با یکدیگر و بر عهده گرفتن مسؤولیت دفاع از خلیج فارس در برابر هرگونه تهدیدی هستند.<sup>۶۰</sup> برای رسیدن به این هدف باید پیمان‌های همکاری منطقه‌ای یا دفاعی در میان کشورهای خلیج فارس منعقد می‌گشت اما عربستان سعودی و کویت ضمن رد این پیشنهاد، از مشارکت در پیمان‌های نظامی و سیاسی و ورود به ائتلاف‌های گوناگون سرباز زدند. ایران پس از این که در پروژه‌های دفاعی توفیقی به‌دست نیاورد، با تخصیص بودجه‌های کلان نظامی، خود را برای بعد از خروج بریتانیا از خلیج فارس آماده نمود. امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر ایران، در توجیه افزایش توان دفاعی کشور،<sup>۶۱</sup> به دو موضوع اشاره کرد: ۱. تأمین امنیت خلیج فارس پس از عقب‌نشینی بریتانیا ۲. احتمال رویارویی ایران با عراق.<sup>۶۲</sup>

محمد رضا پهلوی در ۱۲ آوریل ۱۹۷۰ م (۲۳ فروردین ۱۳۴۹ ش) در مصاحبه‌ای با نشریه‌ی تایمز لندن گفت که وی اعتراضی به حضور نیروهای بریتانیایی در حوالی خلیج فارس ندارد، اما این بدان معنا نیست که راضی باشد بریتانیا در حوزه خلیج فارس از فرودگاه جزیره مصیره و در قلمرو مسقط از فرودگاه صلاله استفاده نماید. اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه وقت ایران، در تشریح موضع ایران در این زمینه اعلام نمود که عقب‌نشینی بریتانیا از منطقه خلیج فارس و مسائل مرتبط با آن، فقط به دولت‌های منطقه خلیج فارس مربوط است.<sup>۶۳</sup>

## استقبال عربستان از تصمیم دولت کارگری

عقب‌نشینی بریتانیا از خلیج فارس، از بسیاری جهات برای ایران فرصت بی‌نظیری فراهم می‌آورد تا در مسیر نیل به آرزوی دیرینه‌اش برای گسترش نفوذ و قدرت خود در این منطقه، گام بردارد؛ آرزویی که به سبب برتری قدرت بریتانیا و ناتوانی ایران، صد و پنجاه سال عقیم مانده بود. به‌رحال، تصمیم بریتانیا فرصت مطلوبی برای ایران به حساب می‌آمد.<sup>۶۴</sup>

درحالی که ایران از سال ۱۹۶۸ م (۱۳۴۶ ش) به بعد مخالف هرگونه ادامه نقش بریتانیا در

60. Chubin & Sepehr, p. 235.

۶۱ برای آگاهی از رشد هزینه‌های نظامی و دفاعی کشورهای خلیج فارس در سال ۱۹۷۱م. به پیوست این مقاله، جدول شماره

۱ مراجعه نمایید.

62. *The Times* (London) 9 February 1970, p. 4.

63. *Ibid.* (1 May 1971), p. 4.

64. Rouhallah K. Ramazani, "Iran's changing Foreign policy: A Preliminary Discussion," *Middle East Journal*, XXXIV (1970), PP. 435-437.

خلیج فارس بود، عربستان سعودی در مورد اتخاذ موضع مخالف، محتاطانه گام برمی داشت.<sup>۶۵</sup> این کشور که نگران بی ثباتی بالقوه منطقه خلیج فارس، به واسطه حضور مارکسیست‌ها و سوسیالیست‌های عرب به‌ویژه دولت مارکسیستی یمن جنوبی بود، ضمن اعزام نمایندگان به لندن، تمایل خود را برای کمک‌های مالی به منظور تداوم حضور بریتانیا در خلیج فارس اعلام کرد.<sup>۶۶</sup> دیری نگذشت که نگرانی‌های ریاض از گسترش سریع سیاست افراطی در کشورهای تازه استقلال یافته فروکش کرد. به همین دلیل در سال ۱۹۷۰ م (۱۳۴۹ ش) خط‌مشی ریاض تغییر کرد و در جولای همین سال، در واکنش به دیدگاه دولت محافظه‌کار انگلیس که به تازگی بر جای دولت کارگری نشسته بود و با خروج بریتانیا از خلیج فارس مخالفت می کرد، با صدور بیانیه در مخالفت با ادامه حضور نظامی بریتانیا در خلیج فارس، به ایران پیوست.<sup>۶۷</sup>

عربستان سعودی بحث بر سر خلاً قدرت ناشی از عقب‌نشینی بریتانیا را نمی‌پذیرفت و بر این باور بود که کشورهای منطقه، قادر به دفاع از خود بوده و توانایی برقراری ثبات و امنیت را دارند. مقامات سعودی به منظور تقویت روابط دوستانه در پرتو اوضاع جدید، باب گفت‌وگوی‌های سیاسی را با دولت ایران گشودند. نتیجه تماس‌های دو کشور توافق‌نامه‌ای مبنی بر اعمال فشار برای عقب‌نشینی بریتانیا بود.<sup>۶۸</sup> عربستان سعودی از پذیرش پیشنهاد ایران برای انعقاد پیمان دفاعی در خلیج فارس سرباز زد، با وجود این، با تلاش دولت محافظه‌کار بریتانیا برای لغو تصمیم دولت کارگری و حضور این کشور در خلیج فارس پس از پایان سال ۱۹۷۱ م (۱۳۵۰ ش) مخالفت می‌کرد. اگر بریتانیا تا پایان مهلت مقرر نیروهایش را از خلیج فارس خارج نمی‌کرد؛ دولت سعودی مصمم بود تا موضوع را به دادگاه بین‌المللی لاهه بکشاند.<sup>۶۹</sup> در واقع، عربستان سعودی عقب‌نشینی بریتانیا از خلیج فارس را فرصتی برای طرح ادعاهای منطقه‌ای درازمدت خود علیه شیخ‌نشین‌ها می‌دید. در ماه مه ۱۹۷۰ م (اردیبهشت ۱۳۵۰ ش) ریاض ادعای خود در مورد واحه بوریمی<sup>۷۰</sup> را از سر گرفت.<sup>۷۱</sup>

65. J.B. Kelly, *Arabia, the Gulf & the West* (New York, 1980), p. 59

66. Gause, p. 256.

67. Kelly, p. 80.

68. Muhammad T. Sadik & William P. Snavely, *Bahrain, Qatar, & the United Arab Emirates, Colonial Past, Present Problems, & Future Prospect* (Lexington, Mass., D. C. Heath & Company, 1972), p. 198.

69. Ibid.

۷۰. واحه بوریمی واقع در ۲۴ درجه و ۱۴ دقیقه شمالی و ۵۳ درجه و ۴۶ دقیقه جنوبی نام خود را از دهکده بوریمی در بخش عمانی واحه می‌گیرد. امروزه این واحه شامل تعداد نه شهر و روستا هست که سه تای آن‌ها به نام‌های حماسه، صحرا و شهر کوچک بوریمی در عمان و شش‌تای دیگر به نام‌های هیلی، الجیمی، القطاره، العین، الجاهلی و الموترید در ابوظبی قرار دارند. با وجود این، در گذشته بوریمی به ناحیه‌ای وسیع‌تر از واحه فعلی اطلاق می‌شد که مورد مناقشه میان عربستان سعودی، ابوظبی و عمان بود. نک: محمداصادق نشأت، تاریخ سیاسی خلیج فارس (بی‌جا: شرکت نسبی قانون کتاب، بی‌تا)، ص ۳۸۸.

71. *The Times* (London) 4 July 1970, p. 5; & Kelly, op. cit., p. 59.



پیش‌ازاین، ملک فیصل با شیخ زائد حکمران ابوظبی در مورد برخی حفاری‌های نفتی توسط شرکت مواد نفتی ابوظبی در سرزمین مورد ادعای فیصل، اتمام حجت کرده بود.<sup>۷۲</sup> همچنین دولت سعودی از قبول پیشنهاد تأسیس امارات متحده عربی - تا زمانی که ادعایش علیه ابوظبی و سلطان نشین عمان بر سر واحد بوری می‌حل و فصل نگردد - خودداری ورزید.<sup>۷۳</sup> عربستان سعودی تا هنگام روی کار آمدن دولت محافظه‌کار بریتانیا، به افق خلیج فارس بدون بریتانیا، چشم دوخته بود و از رهگذر این نظم نوین، امید منافعی را داشت.<sup>۷۴</sup>

عربستان سعودی، به‌عنوان یکی از کشورهای قدرتمند حاشیه خلیج فارس، قدرت خود را از چند منبع مختلف به‌دست می‌آورد. شاید مهم‌ترین آن‌ها وجود اماکن مقدس مسلمین در آن کشور بود. از این نظر عربستان سعودی موقعیت بی‌بدیلی در جهان اسلام داشت. دومین عامل، قدرت فوق‌العاده‌ی اقتصادی عربستان سعودی بود. از میان کشورهای نفت‌خیز خلیج فارس<sup>۷۵</sup> تنها درآمدهای نفتی عربستان سعودی از ۳۵۰/۰۰۰/۰۰۰ دلار در سال ۱۹۶۰م (۱۳۳۹ ش) به ۵/۵ میلیارد در سال ۱۹۷۳ م (۱۳۵۲ ش) افزایش داشت.

درآمدهای نفتی ایران که قدرتی همتای عربستان سعودی بود؛ طی همان دوره زمانی از ۲۹۰/۰۰۰/۰۰۰ دلار به ۴/۵ میلیارد دلار افزایش یافت. این در حالی است که پروژه‌های مبتنی بر درآمدهای نفتی، حاکی از آن است که عربستان سعودی انتظار داشت تا از فروش نفت، درآمد خود را به رقم ۲۳ میلیارد برساند، درحالی که ایران، نزدیک‌ترین رقیب اقتصادی آن کشور، در پی کسب درآمدی بالغ بر ۱۸ میلیارد دلار بود.

دیگر کشورهای منطقه خلیج فارس، درآمدهای نفتی بسیار کم‌تری از عربستان سعودی و ایران داشتند.<sup>۷۶</sup> عربستان سعودی در دارایی‌های دیگر، نظیر دارایی‌های ارزی نیز، برتر بود.<sup>۷۷</sup> دارایی‌های ارزی عربستان سعودی طی پانزده سال، به‌ویژه سال‌های ۱۹۷۳-۱۹۷۴ م (۱۳۵۲-۱۳۵۳ ش) به‌سرعت افزایش یافت. این موضوع عربستان سعودی را قادر ساخت تا در گستره وسیعی از

72. Kelly, p. 84.

73. *The Times* (London) 9 December 1970, p. 7.

74. Gause, p. 257.

۷۵. برای آگاهی از درآمد کشورهای نفت‌خیز خلیج فارس از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۴م. به پیوست این مقاله، جدول شماره ۲ رجوع

کنید.

76. Hearings before the Subcommittee on the Near East & Southeast Asia of the Committee on Foreign Affairs, House of Representatives, *The Persian Gulf, 1974: Money, Politics, Arms, & Power* (Washington, 1975), p. 78.

۷۷. برای جزئیات بیشتر به جدول شماره ۳ مراجعه کنید.

سرمایه‌گذاری‌های خارجی مشارکت نماید.<sup>۷۸</sup>

سومین منبع قدرت عربستان سعودی، توان نظامی آن کشور بود. به‌عنوان نمونه عربستان سعودی تنها در سال ۱۹۷۱ م (۱۳۵۰ ش) مبلغ ۳۸۳/۰۰۰/۰۰۰ دلار صرف افزایش توان نظامی خود نمود؛ مبلغی که جز ایران هیچ‌یک از دیگر کشورهای خلیج فارس هزینه نکرده بود.<sup>۷۹</sup>

### عراق در جست و جوی پیمان دفاعی

هنگامی که بریتانیا تصمیم خود را مبنی بر عقب‌نشینی از خلیج فارس اعلام کرد، عراق از هیچ تلاشی برای ابراز نگرانی خود نسبت به مسائل خلیج فارس خودداری نکرد. این دولت خواستار عقب‌نشینی سریع نیروهای بریتانیایی از منطقه خلیج فارس بود. نفوذ بریتانیا با انقلاب ۱۹۵۸ م (۱۳۳۷ ش) جمهوری عراق که باعث به قدرت رسیدن رهبری ملی و ضد استعمار گردید، در این کشور پایان یافته بود. سپس با انقلاب سال ۱۹۶۳ م (۱۳۴۲ ش) که حزب بعث<sup>۸۰</sup> به قدرت رسید، روند نفوذ اتحاد شوروی در عراق به‌شدت رو به افزایش نهاد و حضور غربی‌ها رنگ باخت. موضع‌گیری عراق در این زمینه، با توجه به سخنرانی احمد حسن البکر، رئیس‌جمهور عراق، در ۲۲ ژوئن ۱۹۷۰ م (۱۳۴۹ ش) که گفته بود «باید عقب‌نشینی کامل از خلیج [فارس] صورت بگیرد»<sup>۸۱</sup> به‌خوبی روشن می‌گردد. در ۱۷ جولای ۱۹۷۰ م (۲۶ تیر ۱۳۴۹ ش) وی خواستار انعقاد پیمان دفاعی در خلیج فارس با حضور کشورهای عراق، کویت، عربستان سعودی و نه کشور<sup>۸۲</sup> دیگر خلیج فارس شد. در هر صورت کویت، به دلیل سیاست خاص و صلح‌آمیز خارجی خود، موضع عراق را نپذیرفت. بعدها، عراق همه قدرت‌ها و سازمان‌های راغب کشورهای عرب را آماده رویارویی با تعهدات دفاع از منطقه، پس از عقب‌نشینی بریتانیا ساخت.<sup>۸۳</sup>

78. Hearings before the Subcommittee on the Near East & Southeast Asia of the Committee on Foreign Affairs, House of Representatives, *The Persian Gulf, 1974: Money, Politics, Arms, & Power* (Washington, 1975), p. vi

۷۹. برای جزئیات بیشتر تر به پیوست این مقاله، جدول شماره ۳ مراجعه کنید.

۸۰. این حزب در سال ۱۹۴۱ به‌وسیله میشل علق و یک سیاستمدار سوری به نام صلاح بیطار تأسیس شد. برای آگاهی بیشتر

نک: محمود طلوعی، فرهنگ جامع سیاسی (تهران: نشر علم، ۱۳۸۵)، ص ۴۶۶.

81. *The Times* (London) 23 June 1970, p. 7.

۸۲. این کشورها عبارت بودند از: هفت کشور متصالح (ابوظبی، دوی، شارجه، عجمان، ام‌القوین، فجیره، رأس‌الخیمه) و بحرین

و قطر.

83. Sadik & Snavelly, p. 198.

روشن است که فراخوان عراق برای انعقاد پیمانی دفاعی تنها دولت‌های عرب منطقه خلیج فارس را در برنمی‌گرفت و شامل ایران نیز می‌شد. موضع منفی ایران در پاسخ به این فراخوان به دلیل احساسات عرب‌گرایی قوی عراق نبود، بلکه ریشه در کشمکش‌های مرزی میان دو کشور، به‌ویژه بر سر اروندرود داشت.

### واکنش شیخ نشین‌ها

تصمیم ۱۹۶۸ م (۱۳۴۶ ش) بریتانیا ضربه‌ای تکان‌دهنده به شیخ‌نشین‌های کوچک خلیج فارس وارد کرد؛ زیرا دولت کارگری دو ماه قبل از آن به همه حکمرانان خلیج فارس خاطر نشان کرده بود که به این زودی‌ها قصد خروج از خلیج فارس را ندارد.<sup>۸۴</sup> از همین رو، حکمرانان این کشورها از انتخابات ۱۸ ژوئن ۱۹۷۰ م (۲۸ خرداد ۱۳۴۹ ش) بریتانیا، به امید پیروزی حزب محافظه‌کار و لغو عقب‌نشینی، استقبال نمودند؛<sup>۸۵</sup> اما زمانی که دولت محافظه‌کار در نتیجه فشارهای عربستان سعودی، ایران، عراق و کویت، ناگزیر به اجرای تصمیم دولت کارگری شد؛ امید آن‌ها به یأس مبدل گشت. حکمرانان نُه شیخ‌نشین از تصمیم بریتانیا ناخوشنود بودند. بنا به نوشته روزنامه تایمز لندن تأثیر تصمیم دولت محافظه‌کار بر حکمرانان سواحل متصالح، چون شوکرانی بود که آنان ناگزیر به نوشیدنش بودند. شیخ راشد، حکمران دویی، یکی از بانفوذترین حکام دولت‌های متصالح، بیان داشت که تصمیم بریتانیا را بسیار نومیدکننده می‌داند و تلاش می‌کند تا دیدگاه خود را برای مقامات بریتانیایی تشریح نماید. در هر حال، دیدگاه وی از سوی بریتانیا با بی‌توجهی روبرو گشت و به او فرصتی برای ابراز عقیده داده نشد. شیخ راشد معتقد بود که عقب‌نشینی نیروهای بریتانیایی، منطقه خلیج فارس را به سوی آینده نامعلومی می‌کشاند و اصرار داشت تا شیخ‌نشین‌های متصالح و قطر در تأسیس امارات متحده عربی شتاب نمایند. او با عضویت بحرین در اتحادیه مذکور مخالف بود، زیرا ایران ادعای مالکیت بر بحرین را داشت و بدون تردید این امر منجر به رویارویی ایران با آنان می‌گشت. وی همچنین اظهار می‌نمود که دولت بحرین تمایلی به عضویت در امارات متحد عربی ندارد.<sup>۸۶</sup>

این محاسبات تحت شعاع دیدگاه قدرتمندی که معتقد بود روابط پایدار میان تمامی دولت‌های منطقه خلیج فارس به واسطه حضور بریتانیا است، شکل گرفته بود. در نتیجه، حکمرانان این کشورها

84. Cottrell, p. 14.

85. Sadik & Snavely, p. 197.

86. *The Times* (London) 3 March 1971, p. 6.

بر این باور بودند که به محض این که بریتانیا از منطقه عقب‌نشینی کند، خلأ قدرتی پدید خواهد آمد و قدرتی رقیب جایگزین آن خواهد شد. از نظر این دولت‌ها، بهترین گزینه برای حفظ ثبات سیاسی‌شان، تأسیس اتحادیه بود. بر اساس مکاتبات موجود در دفتر وزارت خارجه بریتانیا، شیخ زائد بن سلطان آل نهیان حکمران ابوظبی، به گرونوی رابرتس،<sup>۸۷</sup> نماینده بریتانیا گفته بود: «به‌منظور اطمینان از تداوم حضور نظامی بریتانیا در خلیج فارس، آماده کمک مالی بابت هزینه نیروها چه به‌طور علنی و چه مخفیانه و به هر صورتی که آن دولت فخیمه صلاح بداند می‌باشد.»<sup>۸۸</sup> شیخ راشد، حکمران دومی، نیز با پیشنهاد شیخ زائد موافق بود.<sup>۸۹</sup> احمد بن علی آل ثانی حکمران قطر نیز اظهار داشت که: «به خاطر این واقعیت که بریتانیا به دلیل تنگنای مالی دیگر نمی‌تواند از عهده نگهداری نیروهایش در خلیج فارس برآید، او و دیگر حکام خلیج فارس، به‌ویژه شیخ زائد خوشحال خواهند شد که بسته به توانشان از بریتانیا حمایت نمایند.»<sup>۹۰</sup>

موقعیت بحرین به دلیل ادعای مالکیت ایران بر این کشور متزلزل بود؛ زیرا با تصمیم بریتانیا برای خروج از خلیج فارس، بیم آن داشتند که ایران ادعای قدیمی خود در مورد مجمع‌الجزایر را دوباره از سر گیرد و به همین دلیل بحرین خواهان ماندن بریتانیا در منطقه خلیج فارس بود.

### آمادگی کویت برای پذیرش تصمیم دولت کارگری

علی‌رغم این واقعیت که معاهده‌ی دفاعی بریتانیا- کویت در ۱۹۷۱ م (۱۳۵۰ ش) به پایان می‌رسید، دولت کویت با ماندن بریتانیا در خلیج فارس مخالف بود و از دولت محافظه‌کار درخواست نمود که به تصمیمات دولت کارگری مبنی بر عقب‌نشینی از خلیج فارس احترام بگذارد.<sup>۹۱</sup> کویت این دیدگاه را که پس از عقب‌نشینی بریتانیا، خلأ قدرتی در منطقه به وجود می‌آید، باور نداشت زیرا معتقد بود مردم منطقه آن قدر توانایی دارند که از استقلال و حاکمیت خود پاسداری نمایند.

ایران، عربستان و عراق قصد داشتند اگر بریتانیا بخواهد پس از پایان سال ۱۹۷۱ م (۱۳۵۰ ش) همچنان در منطقه خلیج فارس باقی بماند، موضوع را به دادگاه بین‌المللی لاهه بکشانند. آنان ضمن هشدار به بریتانیا، اعلام نمودند تا زمانی که شورای امنیت سازمان ملل متحد، اقدام قاطعی در این

87. Goronwy Roberts

88. Abu Dhabi to Foreign Office, 10 Jan. 1968, PREM 13/2209, Quoted in Shohei Sato, "Britain's Decision to Withdraw from the Persian Gulf, 1964-68: A Pattern and a Puzzle," *Journal of Imperial and Commonwealth History*, Vol. 37, No. 1, March 2009, p. 108; & Kelly, P. 50.

89. Ibid.

90. Bahrain to Foreign Office, Telegram No. 34, 10 Jan. 1968, PREM 13/2209, Quoted in Sato.

91. *The Times* (London) 13 July 1970, p. 4.

باره انجام ندهد؛ تولید نفت و روابط سیاسی خود را متوقف خواهند کرد. دولت کویت نیز مخالف تلاش بریتانیا برای باقی ماندن آن کشور در منطقه خلیج فارس پس از موعد مقرر بود؛ اما به دلیل دیگری پیشنهاد عراق مبنی بر انعقاد پیمان دفاعی در خلیج فارس را رد نمود.<sup>۹۲</sup> کویت پیشنهاد ایران برای انعقاد پیمان دفاعی را نیز نپذیرفت. دلیل کویت برای نپذیرفتن این پیشنهاد این بود که چنین معاهداتی با روح حاکم بر سیاست آن کشور مطابقت ندارد.

دولت کویت که به گمان خود می‌پنداشت از سایر قدرت‌های منطقه فعال‌تر است؛ نه شیخ‌نشین کوچک خلیج فارس را تشویق نمود تا برای حفظ امنیت خود پس از عقب‌نشینی بریتانیا، امارات متحده عربی را تأسیس نمایند<sup>۹۳</sup> زیرا اعتقاد راسخ داشت که کشورهای منطقه خلیج فارس توانایی حفظ ثبات و دفاع از خود را بدون حضور بریتانیا ندارند.

## نقش فعال مصر

گرچه جمهوری متحده عربی<sup>۹۴</sup> از کشورهای خلیج فارس نبود اما از لحاظ سیاسی و نظامی قدرتمندترین کشور عرب محسوب می‌شد. واکنش این کشور به عقب‌نشینی بریتانیا از خلیج فارس، در سطح منطقه دارای اهمیت زیادی بود. دولت جمهوری متحده عربی خواستار عقب‌نشینی کامل بریتانیا از منطقه در زمان مقرر شد، زیرا سیاست این کشور مخالف حضور هرگونه قدرت استعماری در خلیج فارس بود.

دولت مصر از اعلام تصمیم بریتانیا مبنی بر عقب‌نشینی از خلیج فارس، ابراز خوشنودی نمود و خواستار اجرای کامل و فوری عقب‌نشینی شد. انور سادات، رئیس‌جمهور وقت مصر، درباره وضعیت خلیج فارس با فیصل، پادشاه عربستان سعودی، به تبادل نظر پرداخت و با تنی چند از حکام و شیوخ عرب نیز به‌طور جدی درباره تأسیس امارات متحده عربی گفت‌وگو کرد. وی آنان را تشویق نمود تا در تأسیس این اتحادیه قدم پیش نهند زیرا این امر پس از عقب‌نشینی بریتانیا از خلیج فارس، از یک‌سو بستر ثبات و امنیت آنان را فراهم می‌کرد و از سوی دیگر امیدوار بود آنان را از لحاظ اقتصادی و سیاسی در خدمت منافع مصر قرار دهد.<sup>۹۵</sup>

92. Chubin & Zabih, p. 237.

93. *The Times* (London) 8 July 1970, p. 6.

۹۴. جمهوری متحده عربی (United Arab Republic) نام رسمی کشور مصر از فوریه ۱۹۵۸ تا اوت ۱۹۷۱. سادات در ۱۹۷۱

نام «جمهوری عربی مصر» را به‌جای آن تعیین کرد. نک: تدین و احمدی، ص ۴۶۳.

95. *The Times* (London) 21 June 1971, p. 5.

## رویکرد نیکسون به نقش آفرینی ایران و عربستان

در سال ۱۹۷۰ م (۱۳۴۹ ش) ویلیام راجرز،<sup>۹۶</sup> وزیر امور خارجه دولت نیکسون، بار دیگر خواهان باقی ماندن نیروهای بریتانیا در خلیج فارس شد. وی معتقد بود عقب‌نشینی بریتانیا چراغ سبزی برای نیروهای کمونیست، به‌ویژه اتحاد شوروی خواهد بود تا خلأ مزبور را پر نمایند. راجرز بر این باور بود که با توجه به تجربه‌ی سیاسی طولانی‌مدت بریتانیا در منطقه خلیج فارس، ثبات و امنیت این منطقه، حتی با حضور تعداد اندکی از نیروهای بریتانیا قابل تأمین است. وی ضمن بیان این مطلب که دولت کارگری بریتانیا با خود و متحدان سازمان دهنده پیمان سیتو،<sup>۹۷</sup> صادق نبوده، اظهار داشت: این دولت اعتماد و اطمینان متحدان خود را از بین برد زیرا زمانی که هیچ نیرویی در خلیج فارس نباشد؛ امکان کمکی هم وجود نخواهد داشت.<sup>۹۸</sup> راجرز همچنین اعتقاد داشت که باطل کردن معاهدات خاص بریتانیا در خلیج فارس، الگوی امنیتی این منطقه را تغییر داده و همکاری نزدیک میان ایران و همسایگان عرب خود را برای حل‌وفصل کشمکش‌های منطقه‌ای تقویت خواهد کرد.

الیوت ریچاردسون،<sup>۹۹</sup> معاون وزیر امور خارجه ایالات‌متحده، در پاسخ به پرسش از وی در مورد وضعیت خلیج فارس پس از عقب‌نشینی بریتانیا گفت که: «اهداف دکتربین نیکسون آن است که در کشورهای منطقه، این تمایل و امیدواری را ایجاد نماید که در آینده بستر صلح و ثبات به‌ویژه با رهبری ایران، فراهم گردد؛ به‌گونه‌ای که تحول منتهی به استقلال و تمامیت ارضی کشورهای منطقه بتواند انجام گیرد.»<sup>۱۰۰</sup> در واقع، دکتربین نیکسون بر اساس سپردن حفظ ثبات و امنیت خلیج فارس به دو کشور ایران و عربستان سعودی که قدرتمندترین کشورهای منطقه بودند بنا شده بود.

از سوی دیگر تأمین منافع اتحاد شوروی در خلیج فارس، وابسته به ایجاد روابطی مؤثر با عراق و جمهوری دموکراتیک خلق یمن (عدن سابق، تحت‌الحمایه بریتانیا) بود. اتحاد شوروی با ایران

96. William Rogers

97. سیتو (SEATO) یا پیمان آسیای جنوب شرقی در هشتم سپتامبر ۱۹۴۵ با امضای یک قرارداد همکاری‌های نظامی و اقتصادی بین ۸ کشور ایالات‌متحده، انگلیس، فرانسه، استرالیا، فیلیپین، زلاندنو، تایلند و پاکستان در مانیل پا به عرصه وجود گذاشت و تا ۱۹۶۷ که فرانسه از آن خارج شد نقش فعالی در سیاست منطقه داشت. در ۱۹۷۲ نیز پاکستان از این پیمان خارج شد و با تضعیف قدرت و موقعیت ایالات‌متحده در منطقه پس از شکست ویتنام سازمان پیمان آسیای جنوب شرقی هم عملاً موقعیت خود را از دست داد و در ۳۰ ژوئن ۱۹۷۷ منحل شد. نک: طلوعی، ص ۳۶۷.

98. *The Times* (London) 26 June 1970, p. 7.

99. Elliot Richardson

100. *The Times* (London) 23 April 1970, p. 8.



و کویت نیز روابط سیاسی برقرار نمود.<sup>۱۰۱</sup> از این رو، ایالات متحده در صدد برآمد تا بخشی از جای خالی نیروهای بریتانیا در بحرین را پر کند. در دسامبر ۱۹۷۱ م (آذر ۱۳۵۰ ش) ایالات متحده و دولت بحرین توافق نامه‌ای منعقد کردند که بر اساس آن ایالات متحده اجازه یافت تا در ده درصد از ناحیه‌ی قبلی که در اختیار بریتانیا بود، پایگاه دریایی خود را مستقر کند.<sup>۱۰۲</sup> احداث پایگاه دریایی ایالات متحده بعدها یعنی تنها چند هفته بعد از عقب‌نشینی نیروهای بریتانیا در ژانویه ۱۹۷۲ م (دی ۱۳۵۰ ش) انجام گرفت.<sup>۱۰۳</sup>

در دسامبر ۱۹۷۱ م (آذر ۱۳۵۰ ش) پس از آن که ناو هواپیمابر انترپرایز<sup>۱۰۴</sup> و نیروهای واکنش سریع<sup>۱۰۵</sup> ناوگان هفتم ایالات متحده - به نشانه‌ی حمایت از پاکستان در جنگ با هندوستان بر سر بنگلادش - به خلیج بنگال اعزام شدند، نگرانی‌های اتحاد شوروی و کشورهای منطقه، در مورد تمایلات ایالات متحده، به شدت افزایش یافت. این نخستین اقدام عملیاتی ایالات متحده پس از جنگ جهانی دوم، برای استقرار نیروهایش در این منطقه به شمار می‌رفت. اتحاد شوروی نیز با استقرار نیروهای دریایی قدرتمند خود از جمله اعزام اولین زیردریایی حامل موشک کروز به منطقه، به این اقدام ایالات متحده واکنش نشان داد.<sup>۱۰۶</sup> در دی‌ماه همان سال شاه ایران نیز بلافاصله پس از خروج بریتانیایی‌ها از خلیج فارس، در پاسخ این سؤال که حضور آمریکایی‌ها در بحرین را چگونه تلقی می‌کند، گفت: «ما دوست نداریم یک قدرت خارجی را در خلیج فارس ببینیم. خواه این قدرت خارجی بریتانیا باشد یا ایالات متحده یا اتحاد شوروی یا چین؛ برای ما فرقی نمی‌کند.»<sup>۱۰۷</sup>

هم‌زمان با این اقدامات، کشورهای منطقه تلاش‌های خود را برای جلوگیری از تبدیل شدن خلیج فارس و اقیانوس هند به میدان زورآزمایی نظامی ابرقدرت‌ها، به کار گرفتند. در دسامبر ۱۹۷۱ م (آذر ۱۳۵۰ ش) قطعنامه‌ی «محدوده صلح» در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید که بیشتر کشورهای عضو آن، خواستار حذف هرگونه حضور نظامی قدرت‌های بزرگ در اقیانوس هند شدند اما چنان که قابل پیش‌بینی است، هم اتحاد شوروی و هم ایالات متحده، چون

101. Hearings, Subcommittee on the Near East, Committee on Foreign Affairs, House, Ninety-Second Congress, Second Session, February 2, June 7, August 8, & 15, 1972, *U.S. Interests in and policy Toward the Persian Gulf The Persian Gulf* (Washington, D.C. 1972), p. 144.

102. *Congressional Quarterly Weekly Report*, XXX (26 February 1972), p. 427.

103. *The Times* (London) 7 January 1972, p. 1.

104. Enterprise

105. Rapid Deployment Force

۱۰۶. جابر و دیگران، ص ۲۸.

۱۰۷. هوشنگ مهدوی، ص ۳۳۳؛ و «ایران و سیاست دولت جدید آمریکا»، روزنامه کیهان، ش ۷۶۴۹ (سه شنبه ۱ بهمن

۱۳۴۷)، ص ۱۹.

دیگر کشورهای قدرتمند ساحلی، به آن توجهی نمودند<sup>۱۰۸</sup>

هرچند در ۱۹۷۲ م (۱۳۵۱ ش) یک پایگاه کوچک دریایی از سوی ایالات متحده در بحرین تأسیس شد اما ژوزف سیسکو اظهار داشت که ایالات متحده قصد ایجاد تعهدات جدید نظامی در منطقه خلیج فارس را ندارد. وی افزود ایالات متحده از تلاش‌های دولت‌های جدید برای تثبیت استقلال خود از طریق حمایت‌های اقتصادی و اجتماعی و بهبود امنیت دفاعی و داخلی پشتیبانی می‌کند.<sup>۱۰۹</sup> مقامات آمریکایی دریافته بودند که بهترین راه برای تضمین منافع ایالات متحده در خلیج فارس، تقویت اقتصاد، تجارت، روابط فرهنگی و سیاسی با کشورهای منطقه است.<sup>۱۱۰</sup> این دیدگاه را که برگرفته از دکترین نیکسون بود، سیسکو، معاون وزیر امور خارجه ایالات متحده، در سال ۱۹۷۳ م به هنگام ادای سوگند در کنگره، چنین شرح داد: «... ما منافع سیاسی و اقتصادی فراوان و قابل ملاحظه‌ای در آن منطقه داشتیم. رویکرد ما آن بود تا بکشیم ضمن ایجاد تحرک در ایران و عربستان سعودی به این دو کشور کلیدی منطقه امیدوار باشیم.»

## نتیجه

واکنش دولت‌های خلیج فارس و قدرت‌های بزرگ جهان در برابر اعلام عقب‌نشینی بریتانیا از خلیج فارس متفاوت بود. حتی خود دولت محافظه‌کار بریتانیا هم که جایگاه چندین ساله و منافع خود را در خطر می‌دید، تلاش کرد تا تصمیم دولت کارگری را ملغی کند.

کشورهای خلیج فارس نسبت به تصمیم عقب‌نشینی بریتانیا، دو واکنش متفاوت نشان دادند. ایران، عربستان سعودی، عراق و کویت، سه قدرت بزرگ منطقه،<sup>۱۱۱</sup> که هیچ تعهدی در برابر بریتانیا نداشتند تا به آن پایبند باشند، از عقب‌نشینی بریتانیا استقبال کردند. آنان به توانایی خود در تأمین امنیت منطقه خلیج فارس ایمان داشتند؛ امنیتی که تنها به واسطه‌ی اختلافات مرزی میان برخی از کشورهای منطقه می‌توانست مورد تهدید قرار گیرد. سایر کشورهای منطقه، مخالف این اقدام بودند. آن‌ها اعتقاد داشتند که ثبات و امنیت چندین ساله‌ی حضور بریتانیا با عقب‌نشینی آن مختل خواهد

۱۰۸. هوشنگ مهدوی، ص ۳۳۳؛ و «ایران و سیاست دولت جدید آمریکا»، روزنامه کیهان، ش ۷۶۴۹ (سه شنبه ۱ بهمن

۱۳۴۷)، ص ۱۹.

109. Joseph J. Sisco, "United States' policy Toward the Persian Gulf Region," *Department of State Bulletin* (September 4, 1972), p. 243.

110. Rodger P. Davies, "U.S. Commercial Interests & Policy in the Persian Gulf," *U.S. Department of State Bulletin*, 69 (January 10, 1974), p. 725.

۱۱۱. جدول‌های ۱، ۲ و ۳ پیوست این مقاله میزان قدرت اقتصادی و نظامی این کشورها را نشان می‌دهد.

شد. این کشورها که گروهی متشکل از هفت دولت متصالح، بحرین و قطر بودند به دلیل امضای معاهده‌های خاص با بریتانیا و ترس از کشورهای قدرتمند، به حضور بریتانیا وابسته بودند. نگرش دو قدرت بزرگ جهان به تصمیم بریتانیا، حفظ منافع خود در منطقه و در برابر یکدیگر بود. ایالات متحده می‌پنداشت عقب‌نشینی بریتانیا فرصتی تازه به اتحاد شوروی خواهد داد تا تهدید بزرگی علیه او و متحدانش شکل دهد. در سال ۱۹۷۲ م (۱۳۵۱ ش) درخواست ایالات متحده برای نفت خلیج فارس به میزان ده درصد کل واردات نفت یا سه درصد کل مصرف نفت آن کشور، افزایش یافت.<sup>۱۱۲</sup> علاوه بر این، خلیج فارس بازاری پرسود برای فروش سلاح‌های ایالات متحده بود. به همین دلیل ایالات متحده می‌خواست بریتانیا نیروهایش را از خلیج فارس خارج نکند. مخالفت اتحاد شوروی با حضور بریتانیا در منطقه خلیج فارس به دلیل آن بود که می‌خواست غرب در آن قسمت از جهان نفوذی نداشته باشد. از همین رو، مقامات اتحاد شوروی، وجود بریتانیا در خلیج فارس را تهدیدی جدی برای مرزهای جنوبی کشور خود اعلام نمودند.<sup>۱۱۳</sup> بدیهی است که این دو قدرت بزرگ جهان، با حمایت نمودن از هریک از کشورهای مخالف یا موافق تصمیم بریتانیا در منطقه، تنها در پی دستیابی به منافع خود در خلیج فارس و سپس در پهنه گسترده‌تری چون اقیانوس هند و خاورمیانه بودند.

## پیوست‌ها:

### جدول شماره ۱

هزینه‌های نظامی عمده‌ترین دولت‌های خلیج فارس در سال ۱۹۷۱ م / ۱۳۵۰ ش

کشور	هزینه‌های نظامی بر مبنای بیلیون دلار	سرانه‌ی هزینه‌های نظامی بر مبنای بیلیون دلار	هزینه‌های نظامی به‌عنوان درصدی از تولید ناخالص ملی
ایران	۱/۰۲۳	۳۴	۹
عراق	۲۳۷	۲۶	۷
عربستان سعودی	۳۸۳	۵۲	۹
کویت (۱۹۶۸)	۶۳	۱۲۶	۲/۸

منبع:

Ann T. Schulz, "A Leadership Role for Iran in the Persian Gulf," *Current History*, 62 (January, 1972), P. 27.

112. Joseph J. Sisco, "Department Discusses the Arab-Israeli Conflict & the Arabian Peninsula, Persian Gulf Area," *Department of State Bulletin*, 69 (July 2, 1973), pp. 30-31.

113. Smolnasky, p. 107.

## جدول شماره ۲

درآمدهای نفتی کشورهای تولیدکننده نفت در خلیج فارس (بر مبنای بیلیون دلار)

*۱۹۷۴	۱۹۷۳	۱۹۷۲	۱۹۷۱	۱۹۷۰	۱۹۶۵	۱۹۶۰	کشور
۲۳/۰۰	۵/۵۰	۳/۱۰	۲/۱۵	۱/۲۰	۰/۶۶	۰/۳۵	عربستان سعودی
۱۸/۰۰	۴/۵۰	۲/۳۸	۱/۹۵	۱/۱۴	۰/۵۲	۰/۲۹	ایران
۷/۳۰	۱/۹۴	۱/۶۰	۱/۴۰	۰/۹۰	۰/۶۷	۰/۴۷	کویت
۴/۵۰	۱/۱۰	۰/۵۵	۰/۴۳	۰/۲۹	۰/۰۳	-	امارات متحده عربی
۱/۷۵	۰/۴۲	۰/۲۶	۰/۲۰	۰/۱۲	۰/۰۷	۰/۰۵	قطر
۰/۸۰	۰/۳۰	۰/۱۶	۰/۱۵	۰/۱۰	-	-	عمان
۰/۲۵	۰/۲۰	۰/۱۰	۰/۱۰	۰/۱۰	۰/۱۰	۰/۱۰	بحرین
۶/۴۰	۱/۶۷	۰/۵۷	۰/۸۴	۰/۵۲	۰/۳۷	۰/۲۶	عراق
۶۲/۰۰	۱۵/۶۳	۸/۷۸	۷/۲۲	۴/۳۷	۲/۴۲	۱/۵۲	جمع

\* پیش‌بینی شده

منبع:

Hearings, Subcommittee on the Near East, Committee on Foreign Affairs, House, Ninety-Third Congress, Second Session, *The Persian Gulf, 1974: Money, Politics, Arms, and Power* (Washington, D.C.1975), P. 78.

## جدول شماره ۳

مبادلات ارزی عمده‌ترین کشورهای خلیج فارس (بر مبنای بیلیون دلار)

*۱۹۷۴	۱۹۷۳	۱۹۷۲	۱۹۷۱	۱۹۷۰	کشور
۲۲/۰	۴/۵	۲/۹	۱/۷	۰/۰	عربستان سعودی
۱۰/۰	۴/۵	۳/۵	۲/۵	۱/۹	کویت
۹/۰	۱/۳	۱/۰	۰/۶	۰/۲	ایران
۷/۰	۱/۶	۰/۸	۰/۶	۰/۵	عراق
۴/۰	۱/۳	۰/۵	-	-	امارات متحده عربی
۲/۰	۰/۴	۰/۴	-	-	قطر

\* پیش‌بینی شده

منبع:

Hearings, Subcommittee on the Near East, Committee on Foreign Affairs, House, Ninety-Third Congress, Second Session, *The Persian Gulf, 1974: Money, Politics, Arms, and Power* (Washington, D.C.1975), P. 78.

## کتاب‌نامه

- اسدی، بیژن. خلیج فارس و مسائل آن. تهران: سمت، ۱۳۸۱.
- تدین، احمد و احمدی، شهین. فرهنگ تاریخ. ۲ ج. تهران: آگاه، ۱۳۶۹.
- جابر، پائول و دیگران. منافع قدرت‌های بزرگ در خلیج فارس. ترجمه مجید قهرمانی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نشر سفیر، ۱۳۷۰.
- جناب، محمدعلی. خلیج فارس؛ آشنایی با امارات آن. تهران: پدیده، ۱۳۴۹.
- چمن‌کار، محمدجعفر. بحران ظفار و رژیم پهلوی. تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۳.
- روزنامه کیهان، ش ۷۶۳۵ (یکشنبه ۱۵ دی ۱۳۴۷).
- روزنامه کیهان، ش ۷۶۴۹ (سه شنبه ۱ بهمن ۱۳۴۷).
- شیخ‌الاسلامی، جواد. «نخست وزیران انگلیس، و تأثیر سیاست آنان در تاریخ ایران.» مجله نشر دانش. س ۸، ش ۵ (مرداد و شهریور ۱۳۶۷).
- طلوعی، محمود. فرهنگ جامع سیاسی. تهران: نشر علم، ۱۳۸۵.
- فتح الهی، جعفر، «سوابق تاریخی و وجه تسمیه خلیج فارس.» در مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل خلیج فارس (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۷).
- مقتدر، هوشنگ. «چشم‌پوشی ایران از بحرین؛ بررسی نقش سازمان ملل متحد.» مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی. س، ش ۲۴۳-۲۴۴.
- نشأت، محمدصادق. تاریخ سیاسی خلیج فارس. تهران: بی‌جا: شرکت نسبی کانون کتاب. بی‌تا.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا. سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی ۱۳۰۰-۱۳۵۷. تهران: پیکان، ۱۳۹۱.
- Chubin, Shahram & Sepehr, Zabih. *The Foreign Relations of Iran: a Developing State in a Zone of Great-Power Conflict*. California: University of California, 1974.
- Congressional Quarterly Weekly Report*, XXX. February 26, 1972.
- Cottrell, Alvin. "British Withdrawal from Persian Gulf." *Military Review*. 50. June, 1970.
- Crossman, Richard. *The Crossman Diaries*. Anthony Howard ed. London: 1979.
- Darby, Phillip. *British Defense Policy East of Suez, 1947-1968*. London: 1973.
- Davies, Rodger P. "U.S. Commercial Interests & policy in the Persian Gulf." *U.S. Department of State Bulletin*, 69. January 10, 1974.
- Gause, Gregory. "British & American policies in the Persian Gulf, 1968-1973." *Review of International Studies* (1985).
- Hearings, Subcommittee on the Near East, Committee on Foreign Affairs, House, Ninety-Third Congress, Second Session *The Persian Gulf, 1974: Money, Politics, Arms, and Power*. Washington, D.C. 1975.

- Kelly, J.B. *Arabia, the Gulf & the West*. New York, 1980.
- Long, David E. "United States Policy toward the Persian Gulf." *Current History*. 68. February 1975.
- Noyes, James H. *The Clouded Lens: Persian Gulf Security & U.S. policy*. Stanford, 1979.
- Ramazani, Rouhollah K. "Iran's changing Foreign policy: A Preliminary Discussion." *Middle East Journal*, XXXIV (1970).
- Sadik, Muhammad T. & Snavelly, William P. *Bahrain, Qatar, & the United Arab Emirates, Colonial Past, Present Problems, & Future Prospects*. Lexington, Mass., D. C. Heath & Company, 1972.
- Sato, Shohei " Britain's Decision to Withdraw from the Persian Gulf, 1964-68: A Pattern and a Puzzle." *Journal of Imperial and Commonwealth History*, Vol. 37, No. 1. March 2009.
- Sato, Shohei. "Anglo- American Relation Concerning the Persian Gulf; 1964-1971." Presented at *BISA Annual Conference 2009 (Panel on International Alliances in the Nineteenth and Twentieth Centuries)*.
- Schulz, Ann T. "A Leadership Role for Iran in the Persian Gulf" *Current History*. 62. January, 1972.
- Sisco, Joseph J. "United States' Policy Toward the Persian Gulf Region." *Department of State Bulletin*. September 4, 1972.
- Sisco, Joseph J. "Department Discusses the Arab-Israel Conflict & the Arabian Peninsula, Persian Gulf Area." *Department of State Bulletin*, 69. July 2, 1973.
- Smolnasky, O. M. "Moscow and Persian Gulf." *Orbis*. 14. Spring, 1970.
- The Times* (London) 12 January 1968.
- The Times* (London) 13 January 1968.
- The Times* (London) 17 January 1968.
- The Times* (London) 9 February 1968.
- The Times* (London) 9 February 1970.
- The Times* (London) April 23 1970.
- The Times* (London) 23 June 1970.
- The Times* (London) 26 June 1970.
- The Times* (London) 4 July 1970.



*The Times* (London) 8 July 1970.

*The Times* (London) 10 July 1970.

*The Times* (London) 13 July 1970.

*The Times* (London) 9 December 1970.

*The Times* (London) 3 March 1971.

*The Times* (London) 1 May 1971.

*The Times* (London) 21 June 1971.

*The Times* (London) 7 January 1972.

*The Persian Gulf, 1974: Money, Politics, Arms, & Power.* Washington: United States. Congress. House. Committee on Foreign Affairs. Subcommittee on the Near East and South Asia, 1975.

*U.S. Interests in and Policy Toward the Persian Gulf.* Washington, D.C. 1972.





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی